

فهم دین در روشنائی تاریخ گونه‌ها و کارکردهای تاریخی‌نگری در استنباط

دین در ساحت پیدایش و شکوفایی - نه در ساحت قدسی - پدیده‌ای تاریخی و موضوعی برای پژوهش‌های تاریخ ادیان یا جامعه‌شناسی دین، به‌شمار می‌آید. جز این، فهم هر دینی وابسته به منابعی است که چونان کتاب و سنت در اسلام، در ظرف زمان پدید آمده و اشارت‌ها و نشانه‌های تاریخ، راهنمای فهم و استنتاج آنهاست. از این رو اهمیت مطالعات تاریخی در استنباط معارف اسلامی به‌ویژه در علم فقه، همواره کنکاش شده است.

آنچه در این نوشتار کوتاه می‌آید بیان مکرر این اهمیت نیست، بلکه فهرستی فشرده از گونه‌های مطالعات تاریخی موردنیاز در استنباط و ایده‌ای برای استقرار کامل این‌گونه پژوهش‌هاست.

تاریخ عصر تشریح و تبیین

روش بیانی خاص قرآن در تبیین بسیاری از احکام شرعی، حاشیه‌زدن بر یک حادثه و بیان زوایای هدایتی آن است؛ از این‌رو فهم مدلول آیات، نیازمند فهم تاریخ عصر نزول قرآن است.

یکی از نکات مغفول در این خصوص، توجه به ارتباط لفظی، مفهومی و فرهنگی این نصوص با تاریخ جاهلیت است. فهم این روابط با فرهنگ و تاریخ جاهلی - که رسوبات آن تا سال‌ها پس از بعثت و حتی رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان مسلمانان باقی ماند

- به کمک قراین تاریخی انجام می‌شود. از این رو درک احکام امضایی و احکام تأسیسی تحول‌ساز که ایشان درصدد تغییر فرهنگ و مقررات دوران جاهلیت بوده، بدون پژوهش در تاریخ فرهنگ عرب جاهلی ممکن نیست.

واکاوی زندگی پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، نیز می‌تواند رفتار و سیره اخلاقی، سیاسی، قضایی و اقتصادی را ترسیم کند. همچنین مطالعه تاریخ عصری که معصومین علیهم‌السلام در کنش با آن بوده‌اند، به‌عنوان قرائن و بلکه شرایط صدور فعل معصوم، اهمیتی انکارناپذیر دارد؛ به‌خصوص اگر به تشابهات و افتراقات آنها با وضعیت کنونی ما توجه شود.

مقایسه مسائل حکومتی ما با دوره حکومت پیامبر و امیرمؤمنان ۸ از این قبیل است. به‌عنوان نمونه پیش از تشکیل جمهوری اسلامی بین فقها این مسئله مطرح بود که «دریافت جوایز سلطان جایز است یا نه؟»، اما در اصل و حدود پرداخت جوایز توسط حاکم، تأمل نشده بود؛ زیرا فقها در موقعیت رعیت قرار داشتند، نه حاکم. همچنین مسائلی مثل زمان و نحوه توزیع درآمدهای اقتصادی دولت و اینکه دولت اسلامی تا چه میزانی می‌تواند صله و جایزه بدهد، با مطالعه در تاریخ و سیره حکومت امیرمؤمنان علیه‌السلام روشن می‌شود.

به‌علاوه گزارش باورها، رسوم، عادات، سبک و ابزار زندگی فردی و اجتماعی مردم در عصر حضور معصومین علیهم‌السلام، مطمئن‌ترین راه برای تشخیص و استناد حکم شرعی براساس سیره متشرعه یا سیره عقلاست.

زبان‌شناسی تاریخی و تاریخ تحول زبان

در موارد بسیاری، فهم مدلول کتاب و سنت فقط پس از تشخیص شرایط و قراین نزول آیات و صدور روایات ممکن است؛ یعنی فلسفه اصلی صدور آن نص در زمره مقارنات مؤثر در فهم این مطلب است. مثلاً فهم جمله معروف امام علیه‌السلام که «من اجتهد برأیه هلك» متوقف بر درک معنای اجتهاد به رأی در آن دوره تاریخی و عصر صدور روایت مزبور است.

بسیاری از این مسائل تاریخی، بحث زبانی و کاربرد معنایی واژگان در دوره‌ای تاریخی و خاص است، زیرا با توجه به پدیده مسلم نقل لغوی و تغییر معانی واژگان، نمی‌توان از دلالت کنونی واژه یا تعبیری خاص، به مدلول آن در چندین قرن پیش پی برد. این موارد با مطالعات زبان‌شناسی تاریخی به‌دست می‌آید.

مطالعه در تاریخ تحول زبان عربی حتی می‌تواند در تشخیص مصدر روایات مؤثر باشد؛ مثلاً برخی معتقدند که سبک بیانی حضرت علی علیه‌السلام استفاده از سبک اشتقاقی است، نه

انضمامی، یا ترکیبات اسمی در آن بیشتر از ترکیبات فعلی است، یا سجع در کلمات ایشان سجع تام نیست. بنابراین تعیین سبک بیانی اهل بیت علیهم السلام و در نتیجه تشخیص مصدر روایت، مستلزم دانستن این تحولات است.

به علاوه، بهره‌گیری شایسته و دقیق از معاجم کهن در فهم متون قرآنی و روایی، وقتی ممکن است که تاریخ نگارش آنها و تعلق آنها به یک مکتب معین ادبی؛ مثلاً کوفی یا بصری یا بغدادی، دانسته شود و براین اساس، میزان دقت، اعتبار و کارایی آنها در استنباط نصوص، سنجیده شود.

لازم به یادآوری است که فهم معانی قرآن براساس زبان معیار عصر نزول - لحن حجاز یا قریش - و تعیین قرائت اصح براساس قرابت به آن لحن، به تحقیق در تاریخ زبان عربی برای تعیین زبان معیار نیازمند است. همچنین تبیین زمینه جدیدی که منجر به افزوده شدن آن معنا به معناهای رایج در آن زمان شده، به چنین مطالعاتی وابسته است.

سندشناسی و نسخه‌شناسی

تحقیق پیرامون اصالت تاریخی قرائت و ویژگی مصاحف، از فروع مطالعات تاریخی در قرآن است. کشف صغریات سنت از میان روایات نیز، به کمک مطالعات تاریخی انجام می‌شود؛ همچنین بررسی‌های رجالی، سندشناسی و نسخه‌شناسی در متون حدیثی، نوعی پژوهش تاریخی است. اگر مطالعات تاریخی مرتبط با سند به‌طور دقیق انجام شود، می‌تواند سَقَط و ارسال سندی را ترمیم کند و حلقه‌های گمشده در زنجیره سند روایت و طبقات اسنادی راوی را معلوم سازد.

همچنین تعیین اعتبار منابع حدیثی - به‌ویژه تا قرن سوم - وابسته به پژوهش تاریخی در احوال مصنف، شیوه تدوین کتاب، ریشه‌یابی تاریخی مصادر تدوین آن کتاب و فضای عمومی استناد به آن در همان دوره یا اندکی پس از آن است.

تاریخ معاصر

مأموریت فقه صرفاً دریافت احکام مصرّح نیست، بلکه پیدا کردن پاسخ مسائل جاری و رو به فزونی انسان‌ها براساس معارف اسلامی است و فقه - به‌ویژه به مذاق اصولیان - از مسئله جاری به‌سوی متن دلیل حرکت می‌کند. حرکت از سمت نیازها، متوقف بر تشخیص نیازهاست و آن به نوبه خود وابسته به مطالعات اجتماعی و تاریخی معاصر است. شناخت محیط مسئله و موضوع تکلیف محتمل در ابعاد وسیع اجتماعی، نیاز به بررسی

تاریخ و جغرافیای سیاسی و فرهنگی و تا حدودی مردم‌شناسی آن محیط دارد. بدیهی است که افتاء و پژوهش فقهی در بسیاری از مستحدثات، مستلزم شناخت تاریخ و جغرافیای معاصر و فرهنگ زمانه است؛ مثلاً برای بررسی قاعده نفی سبیل که در فتاوا به آن توجه کمتری شده است، نیازمند شناخت راه‌های تسلط کفار است که با مطالعه تاریخی و اجتماعی معاصر ممکن است.

فلسفه تاریخ و آینده‌پژوهی

فقیه در استنباط فقهی می‌تواند سه رویکرد داشته باشد: فقه تاریخی که در جستجوی رخدادهای عصر تشریع است؛ فقه پاسخگو که به دنبال پاسخ مسائل کنونی است و فقه پیشرو که قدرت پیش‌بینی حوادث را داشته باشد و بتواند پیش‌تر موضع دین را مشخص کند؛ نه اینکه پس از پیدایی مسئله، به دنبال پاسخ باشد.

به نظر می‌رسد مطالعات تاریخی مورد نیاز برای فقه پیشرو، فراتر از بررسی تاریخ گذشته و حال، و از جنس فلسفه تاریخ و آینده‌پژوهی است. این مطالعات، می‌تواند بحران‌های اجتماعی و فرآیند تحول موضوعات را پیش‌بینی کند و فقه را از موضع انفعالی در برابر تغییرات، به جایگاه مدیریت اجتماعی ارتقا بخشد.

تاریخ علوم و نظریه‌ها

دانستن تاریخ فقه و فقها و تاریخ تحول علوم وابسته به فقه، پشتوانه‌ای برای بهره‌گیری از میراث علمی فقیهان و درک ظرفیت‌های تاریخی فقه و علوم وابسته است. درک تفاوت‌ها و امتیازات هر یک از ادوار و مکاتب فقهی، ما را به سوی گزینش دقیق منابع پژوهش و استنباط، رهنمون می‌کند؛ به این ترتیب می‌توان چالش‌های گذشته و کنونی استنباط و خلأهای دانشی مرتبط با آن را رفع کرد.

همچنین اطلاع از مسیر تاریخی تحول سایر علوم می‌تواند الگویی مناسب برای مدیریت دانش‌های فقهی و شکل‌دهی مناسب جریان تحول در آنها باشد؛ به گونه‌ای که با حفظ اصالت، به تعمیق و گستردگی و کارآمدی بیشتری در مسیر استنباط احکام - به‌ویژه در مقیاس اجتماعی، حکومتی و تمدنی - دست یافت؛ ان شاء الله.

مدیرمسئول